

#معلولان سرکار می‌روند

جامعه پندیا
علی افشاری، مدیر کل نیروی انسانی و تشکیلات سازمان بهزیستی جزئیات «دومین آزمون استخدامی ویژه افراد دارای معلولیت» و ارقام مربوط به آن را اعلام کرد:

۲۰ هزار معلول
مدیرک دانشگاهی دارند.

۴۶ دستگاه
آماده استخدام افراد دارای معلولیت هستند.

۳۰۰ نفر
در وزارت آموزش و پرورش استخدام خواهند شد.

۴۴ نفر
در وزارت بهداشت استخدام خواهند شد.

۲۴۴ نفر
در سازمان بهزیستی استخدام خواهند شد.

خبرخوان

احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفته از ابتدای سال تاکنون، بارانه حدود ۶ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر قطع شده است؛ براین اساس مجموع کسانی که از دولت پیرانه دریافت نمی‌کنند معادل ۱۴ تا ۱۵ میلیون نفر است.

رئیس سازمان سنجش آموزش کشور از آغاز ثبت‌نام آزمون اختصاصی پذیرش دانشجو-معلم در دانشگاه‌های فرهنگیان و تربیت دبیر شهید رجایی از روز **سه‌شنبه ۲۵ آذرماه** خبر داد.

رئیس سازمان زندان‌ها گفته نزدیک به **۶۴ هزار** خانواده زندانی تحت پوشش انجمن‌های حمایت از زندانیان قرار دارند.

صندوق بازنفسستگی کشوری اعلام کرده میانگین سن بازنشستگی **۵۲ سال** و میانگین سن فعلی حقوق‌بگیران ۶۵ سال است.

نکته

«درخواست شما را برای ۲۴ راننده اطرافتان ارسال کردیم.» «متأسفانه هیچ موردی یافت نشد.» «تلاش دوباره» و خلاصه جمله‌هایی شبیه به این موارد آنقدر راحت توسط اتاق فرماندهی تاکسی‌های دیجیتالی به گوشی تلفن

غیر رسمی در حرف، رسمی در جیب

دستمزد سفیرها گران شد؟

درباره گران شدن بی سر و صدای هزینه سفرهای اسنپ و تپسی و تعهدی که این پلتفرم‌ها دادند

جامعه امروز

«بنزین گران شد، اسنپ و تپسی هم گران!» جمله تکراری و معترضانه این روزها در فضای مجازی. گران شدن قیمت سفرهای درون شهری سکوهای اینترنتی همزمان با اجرا شدن طرح چند نرخ شدن بنزین در حالی از صبح روز شنبه موضوع داغ شبکه‌های مجازی شده است که مردم معتقدند، امسال چندین بار به بهانه‌های مختلف شاهد افزایش قیمت تاکسی‌های اینترنتی بوده‌اند و این مسئله عادلانه نیست. این افزایش قیمت‌ها، شرعاً و عیناً از دوران جنگ ۱۲ روزه بود و بعد با استمرار روزهای آلوده و اجرای طرح زوج و فرد ادامه یافت و حالا نالای این اتفاقات با موضوع افزایش قیمت بنزین و اجرای طرح چند نرخ بودن بنزین باعث شده که جامعه گمان کند این افزایش قیمت‌ها به دنبال اجرای این طرح بوده است.

گران می‌شود و دیگر ارزان نمی‌شود

از روزی که طرح زوج و فرد به‌خاطر آلودگی هوا اجرا شد، با وجود خلوت بودن خیابان‌ها و کوتاه شدن مسیرها، کرایه‌های اسنپ و تپسی زیادتر شده است. گزینه‌های جدیدی در اسنپ و تپسی فعال شده است که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم منجر به گران شدن سفر می‌شود. مثلاً سفرها در دقایق اولیه از طرف راننده‌ها پذیرفته نمی‌شود تا مسافر در گزینه قیمت پیشنهادی، کرایه بالاتری را با رضایت خودش اعلام کند! جنگ برای هیچ‌کس خوب نبود ولی برای اسنپ و تپسی عالی بود. در زمان جنگ به بهانه مشکلات اینترنتی و سخت بودن سفرها برای راننده‌ها، کرایه‌ها را گران کردند و دیگر به قیمت‌های قبل برگشته و حالا به بهانه آلودگی‌ها اجرای طرح بنزین سه‌نرخ! هیچ‌کدام از شرایطی که به بهانه‌های آنها اسنپ و تپسی کرایه‌ها را افزایش داده‌اند ثابت نبوده؛ مثل جنگ، اما افزایش قیمت این پلتفرم‌ها ثابت مانده و نه تنها به قیمت‌های قبل برگشته بلکه بیشتر هم شده است. گران شدن سفرهای اسنپ و تپسی که بسیاری از شهروندان از آن گلایه‌مند هستند و سعی کرده‌اند این گلایه‌مندی را از طریق شبکه‌های مجازی به گوش مسئولان برسانند، در حالی اتفاق افتاده که سکوهای اینترنتی فعال در حوزه تاکسی‌های اینترنتی متعهد شده‌اند هزینه تمام‌شده سفرها از بابت افزایش نرخ سوخت را افزایش ندهند.

تعهدی که در ابهام است

قصه این تعهدنامه چیست؟ شرکت ملی پخش، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها، سازمان برنامه و بودجه و اسنپ و تپسی طی اطلاعیه‌ای مشترک اعلام کرده‌اند: «با توجه به مصوبه شماره ۱۴۶۸۴۳ هیأت محترم وزیران در خصوص بنزین و در نظر گرفته شدن سهمیه سوخت برای رانندگان/راکبان فعال در سکوهای اینترنتی وفق ماده ۶ تصویب‌نامه مذکور، به استحضار جامعه و بالخصوص کاربران سکوهای اینترنتی می‌رساند که اولاً سقف سهمیه سوخت در نظر گرفته شده برای هر خودروی بنزینی ۲۰۰ لیتر در ماه (مازاد بر ۶۰ لیتر نرخ اول و ۱۰۰ لیتر نرخ دوم) و برای هر خودروی دوگانه‌سوز ۹۵ لیتر در ماه (مازاد بر ۳۰ لیتر و ۱۰۰ لیتر) است و برای هر موتورسیکلت فعال و دارای کارت سوخت ۴۰ لیتر در ماه (مازاد بر ۲۵ لیتر نرخ اول و ۳۵ لیتر نرخ دوم) خواهد بود. سکوهای اینترنتی فعال متعهد می‌شوند هزینه تمام‌شده سفرها از بابت افزایش نرخ سوخت افزایش نیابد. لازم به توضیح است که سازوکار قیمت‌گذاری پویا مبتنی بر عرضه و تقاضا حفظ خواهد شد.

جلسات دولتی بدون پذیرایی

مکت

پذیرایی در مراسم رسمی و همایش‌ها، بخشی تزیینی در ادارات است که گاهی از حد اسراف و نمایش خارج می‌شود و این سؤال را مطرح می‌کند که وقتی نشست‌های رسمی در بالاترین سطوح سیاسی فقط با چند بطری آب معدنی برگزار می‌شود، جلسات و همایش‌های روزمره و تکراری چه نیازی به



میان مسافران مورد استفاده قرار می‌گیرد تا شاید در دوگانه فلاکت نیافتن ماشین و دندان گردی تاکسی‌های اینترنتی لاقل جور دومی را فقط بکشند. ششما می‌دانی که قصد توقف در مسیر را نداری اما به محض اجرای این درخواست فوراً تعرفه سفر افزایش چشمگیری می‌یابد و خیلی زود راننده‌های مترصد در خواست شما را قبول می‌کنند.

راننده‌ها چه می‌گویند؟

راننده‌ها اما حرف و سخن دیگری دارند؛ آنها معتقدند، سهمیه بنزین راننده‌های اسنپ و تپسی در ماه روی هم به ۳۶۰ لیتر می‌رسد، اما مصرف سوخت خودرویی که روزی ۸ ساعت در پلتفرم آنلاین فعالیت دارد، بیشتر از این حرف‌هاست. قرار نیست در این میان راننده متضرر شود. خیلی از این راننده‌ها معتقدند بنزین ۵ هزار تومانی می‌تواند در افزایش کرایه تاکسی‌های اینترنتی تأثیر داشته باشد؛ در غیر این صورت صرفه‌ای برای راننده‌ها نخواهد داشت.

است که هر یک از آنها یکی از مشکلات کشور را نشان می‌دهد. براساس بند اول این بخشنامه آبیاری چمن در تمامی فضاهای سبزی متعلق به دستگاه‌های دولتی ممنوع است. در بند دوم آمده است که قبوض مصرفی آب و انرژی دستگاه‌ها باید بموقع پرداخت شود. در بند سوم این بخشنامه تأکید شده است که باید از پذیرایی‌های غیرضروری در همایش‌ها و جلسات اداری مانند سرو میوه، شیرینی، شام و ناهار پرهیز و منابع حاصل از آن را برای اقدامات کاهنده مصرف آب و انرژی صرف کرد.

میوه و شیرینی گران قیمت دارند. اکنون یک بخشنامه رسمی از ریاست جمهوری تمام زیرمجموعه‌های دولت شامل وزارتخانه‌ها، استانداری‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی را به‌صورت رسمی ملزم به کاهش هزینه‌ها کرده است؛ هزینه‌هایی که شاید در مقیاس بودجه کشور زیاد نباشد اما بخشی از مخارج جاری و روزانه ادارات دولتی است. معاون اجرایی رئیس جمهوری در «بخشنامه بهینه‌سازی مصرف آب و انرژی» به دستگاه‌های اجرایی ۳ مورد را ذکر کرده

خوش آمدید، قدمتان روی چشم ما.» بعد از جنگ ۱۲ روزه، حساسیت جامعه هنری و ورزشی روی نام و پرچم ایران بالا رفته که آخرین نمونه آن همین واکنش محسن یگانه است.

ایران نیست، اینجا ایران است عزیزم!» سپس یکی از حاضران می‌گوید فردی که پرچم دارد مهمان شما از بحرین است که محسن یگانه دوباره توضیح می‌دهد: «ببخشید ما روی ایران حساسیم اما شما

دیروز ویدئویی از کنسرت محسن یگانه در فضای مجازی منتشر شد و جرحید که در آن نسبت به نشان دادن پرچم کشور بحرین از سوی یکی از حاضران واکنش نشان داده و می‌گوید که «این پرچم

روی پرچم ایران حساسیم



هفته‌شماره

گزارش

مکت

شنیان؛ نامی شبیه نسیم

شنیان در زبان کردی به‌معنای وزین نسیم است؛ بادی آرام که می‌آید، جان می‌دهد و بی‌آنکه دیده شود، رد حضورش را باقی می‌گذارد؛ نسیمی که نه ویران می‌کند و نه هیاهو دارد، اما هوا را عوض می‌کند. حالا این نام، فقط یک واژه نیست؛ شنیان به‌معنایی زنده تبدیل شده که قرار است در مسیر آموزش جریان پیدا کند.

مدرسه‌ای که به نام شنیان ساخته می‌شود، تجسم همین معناست. قرار نیست ساختمانش متفاوت یا پرزرق‌وبرق باشد، اما قرار است زندگی بسازد. هر صبح با صدای زنگ مدرسه، با قدم‌های کودکانی که وارد کلاس‌ها می‌شوند و با ورق خوردن کتاب‌ها، نام شنیان دوباره جان می‌گیرد. این مدرسه قرار است مکانی باشد برای شروع؛ جایی که بچه‌ها فرصت داشته باشند؛ رؤیایشان را جدی بگیرند. شنیان خودش رؤیایی ساده و بزرگ داشت؛ رؤیای دکتر شدن، رؤیایی که برای خیلی از نوجوان‌ها آشناست، اما برای مادری که حالا از حرف می‌زند، نشانه‌ای از امید و تلاش بود. جاده مریوان این رؤیا را ناتمام گذاشت، اما مادرش نگذاشت رؤیا دفن شود. مدرسه شنیان شاید د کتر شدن شنیان را محقق نکند، اما می‌تواند مسیر دکتر شدن ده‌ها کودک دیگر را هموار کند؛ کودکانی که مثل شنیان عاشق یاد گرفتن هستند؛ این مدرسه قرار نیست جای خالی یک دختر را پر کند، اما می‌تواند آینده‌های زیادی را بسازد؛ درست مثل نسیمی که می‌آید، می‌وزد و می‌ماند.

یادگار ماندگار شنیان

داستان «شنیان» که پدر و مادرش با دیه مرگ او در تصادف، ساخت یک مدرسه را شروع کردند

گزارش

لیلا شریف | روزنامه‌نگار | «شنیان فقط دختر من نبود، آرزوی من بود.» توران نادری این جمله را آرام می‌گوید، انگار هنوز نمی‌خواهد صدایش به نبودن شنیان عادت کند. یک سال از جای خالی در دانه خانواده صدی می‌گذرد اما آنها هنوز باور این رفتن برایشان نفگیر است. روز عاشورا ۱۴۰۳ همان روزی بود که مسیر زندگی این خانواده ۳ نفره برای همیشه تغییر کرد؛ در آن روز شنیان

دختری که شیفته یادگیری بود

«۲ ماه مانده بود که ۱۳ سال دخترم تمام شود.» مادر شنیان با یک مکت آمیخته به حسرت این جمله را می‌گوید، انگار در ذهن خود ماه‌ها را جلو می‌آورد و با خود حساب می‌کند که از ۲۶ تیر ۱۴۰۳ تا امروز که دیگر خیلی‌ها نام شنیان را شنیده‌اند، چه مسیر سختی را طی کرده‌اند؛ شاید هم در ذهنش تصور می‌کند که اگر شنیان بود، روزهای چه رنگ و بویی داشت. این دلنمگی‌ها تمام وجود مادر را گرفته‌اند: «زندگی‌ام فلج شد و زمان برای من ایستاد. کشش‌های بچهم هنوز توی جاکفشی است و دلم نمی‌آید بردارم. پخت خیلی از غذاها در خانه‌مان حذف شد، چون دیگر دخترم، ثمره زندگی‌ام پیشم نیست. آتش را که می‌بینم دلم آتش می‌گیرد. هنوز قلکش در خانه و برای کارهای کوچک مدرسه هست و من در آن، پول می‌ریزم...» روایت دلنگنی این مادر ادامه دارد اما این نبودن مانع نشد تا او و همسرش از تصمیم بزرگی که گرفته‌اند، با پس بکشند چرا که به قول خودش «شنیان همیشه عاشق یادگیری بود»، پس چه یادگیری بهتر از مدرسه. آرزوی شنیان دکتر شدن بود؛ آرزویی آشنای برای خیلی از بچه‌ها، اما برای مادری که حالا از او حرف می‌زند، این رؤیا نشانه‌ای از امید و تلاش بود؛ رؤیایی که تصادف در جاده مریوان آن را ناتمام گذاشت.

روز بزرگ تصمیم‌گیری

شنیان صدی در تیرماه ۱۴۰۳ بر اثر سانحه رانندگی جان باخت. توران و شهرام صدی که با غم از دست دادن تنها فرزندشان روزها سیری می‌کردند، درست در آخرین روزهای سال سیاه، سالی که دختر نوجوان‌شان دیگر با خنده‌هایش خانه را سیراب نکرد، تصمیم بزرگی گرفتند. سال‌های کار کردن در مغازه اجاره‌ای و متسر زدن پارچه‌ها برای خیاطی، شاید دلیل خوبی می‌شد تا پول دیه شنیان تبدیل به پشتوانه مالی برای خانواده‌اش شود، اما پدر و مادر هیچ کدام از پیشنهاد‌های اطرافیان را قبول نکردند و بین خودشان قرار گذاشتند تا یک روز، نام شنیان را بر سر در مدرسه‌ای بالا ببرند. پدر شنیان در مورد روزی که دیه به حسابشان واریز شد، می‌گوید: «۲۷ اسفند ۱۴۰۳ تا ۱۱ پول به‌حساب ما آمد، گفتیم با آن چه کار کنیم، هر کسی چیزی می‌گفت، ما تصمیم گرفتیم که در محله خودمان یک مدرسه دخترانه به اسم دخترم بسازیم.»

خواهی که تعبیر شد

چندماه پس از واریز پول دیه، درست زمانی که دشت‌های کردستان پر از گل‌های وحشی شده بودند، نام شنیان همچون یک نسیم بهاری در میان تمام کوچه‌های دیواندره عبور کرد و ردی از زندگی به جا گذاشت. حرف زدن از آن روز برای مادر شنیان آسان نیست. می‌گوید: «دخترم مثل نسیم سبکیال بود، آسایش را شنیان گذاشتم چون معنی ورزش نسیم می‌داد. آن روز هم هوا بهاری بود، وقتی قرار شد کلنگ ساخت مدرسه را من زمین بزنم، یاد خوابی افتادم که شب قبلش دیدم.» با چند لحظه مکث، صدای لرزش را برای گفتن آن خواب آماده می‌کند: «شب قبل از کلنگ‌زنی، دخترم به خوابم آمد، گفت وقتی که کلنگ می‌زنی، مامان حواست باشد که بگویی به نام خداوند جان و خرد. آن روز خیلی تلاش کردم که جلوی اشک‌هایم را بگیرم اما نشد. با گریه برای دخترم، کلنگ ساخت مدرسه را به زمین زدم.»

مسیری که مدرسه نداشت

دیواندره، شهری که شنیان در آن زندگی می‌کرد، با کمبود فضای آموزشی روبه‌روست. مسیر مدرسه برای بسیاری از دانش‌آموزان طولانی است و کلاس‌ها اغلب با جمعیت ۳۰ تا ۴۰ نفر برگزار می‌شوند. مادر شنیان این را می‌گوید و توضیح می‌دهد: «می‌خواستیم هیچ دانش‌آموزی دغدغه مدرسه و سرویس مدرسه نداشته باشد.» پدر شنیان در مورد حمایت‌های مالی برای ساخت مدرسه می‌گوید: «روزی‌های اول خیلی‌ها قول دادند. به این کار ندارم که بعضی‌ها جا خالی کردند اما با وجود بدقولی‌ها ما کار را پیش بردیم. یک همسایه لودر داشت و پای کار آمد، آن یکی بنایی بلد بود، به ما کمک کرد، یک‌سری هم پول گذاشتند و ما هم پولی که پس‌انداز کردیم را برای این کار صرف کردیم.» مدرسه‌ای که به نام شنیان در حال ساخت است، کلاس دارد و تا به امروز نزدیک به ۴ میلیارد تومان برای ساخت آن هزینه شده و از این میزان یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان حاصل گذشت خانواده شنیان است.



امید افتتاح در روز تولد دختری که نیست

ساخت این مدرسه هنوز به مرحله نهایی نرسیده است اما شهرام صدی و توران نادری، پدر و مادر شنیان در تلاش هستند تا با جمع‌آوری کمک‌های بیشتر این پروژه را تمام کنند. آرزوی آنها در مورد روز افتتاح مدرسه هم با یاد دخترشان گره خورده است. توران نادری می‌گوید: «آلان سقف طبقه دوم را زدیم، به‌خاطر سرما کا متوقف شده اما آن شاه‌اللهه با قولی که آقای رئیس جمهور برای تکمیل کار دادند، سال دیگر این مدرسه به پر از بچه مدرسه‌ای می‌شود. نمی‌دانم می‌شود یا نه اما دلم می‌خواهد که روز تولد بچهم یعنی شهریور ماه این مدرسه را افتتاح کنیم.»